

# فعالیت‌های امام حسن مجتبی علیه السلام قبل از امامت

ابوالفضل هادی منش

امامت ایشان دارد.

اشاره

الف. فعالیتهای سیاسی

سوگمندها باید گفت آگاهیهای

عمومی ما درباره سبط اکبر علیه السلام در برخی زاویه‌های زندگانی خدا علیه السلام در برخی زاویه‌های زندگانی پربرکت ایشان بسیار محدود است و همانگونه که گاه شناخت امام حسین علیه السلام خلاصه در قیامش می‌شود، شناخت امام مجتبی علیه السلام نیز خلاصه در دوره کوتاه خلافت و صلح تحمیلی ایشان در بدو امامتشان می‌گردد. این مقاله روی آوردی به تلاشهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی امام علیه السلام پیش از

۲۵ ساله کنار گذاشتن امام علی علیه السلام، بر آن حضرت و خاندانشان بسیار سخت بود. امام مجتبی علیه السلام در این دوران، مادر بزرگوارش را نیز از دست داد. امام علی علیه السلام و اهل بیت گرامیشان، از دور نظاره‌گر تحولات جامعه مسلمانان بوده و در مورد مسائل کلی مربوط به اعتلاء جامعه اسلامی مساعدت می‌نمودند. امام حسن علیه السلام نیز از خیرخواهی و

خواهد داشت. امام علیه السلام در ماجرای قتل عثمان به مردم گوشزد می‌کرد که هرکس در زمان خلافت عثمان، به او چیزی بخشیده شده، باید آن را به بیت المال باز گرداند.<sup>۱</sup> و عملکرد او را به شدت زیر سؤال می‌برد.<sup>۲</sup>

اینکه امام علی علیه السلام در ماجرای قتل عثمان، موضعی شفاف از خود نشان نداد، دستاویزی شد برای عناصر سودجو تا بهانه‌هایی برای قدرت‌طلبی به کار گیرند. امام علی علیه السلام حکومت خود را با عدالت پیش می‌برد و آنان که به زرا اندوژیهای زمان عثمان، خو کرده بودند و همانانی که مردم را به قتل او تشویق می‌کردند، پس از مدتی که اوضاع را به فراخور حال خود ندیدند، پیراهن خونین عثمان را

فعالیت‌های سودمند به حال مسلمانان و خدمت‌گزاری به دین اسلام فروگذار نمی‌کرد، تا اینکه پدر بزرگوارشان به خلافت رسیدند. فعالیت‌های امام حسن علیه السلام در این دوران، به قرار زیر است:

### ۱. بسیج مردم برای شرکت در جنگ

#### جمل

ناتوانی شدید عثمان در حاکمیت، و گسترش تبعیضها، قومیت‌گراییها، بخششهای بی‌حساب و کتاب از بیت المال و ده‌ها مشکل دیگر سبب شد تا جبهه‌ای معترض و عدالت‌خواه از مردم مدینه در برابر او صف آرایی کنند. عثمان به تحریک شماری از عناصر سودجو و فرصت طلب مانند طلحه، زبیر و عمرو عاص کشته شد و خلافت به علی علیه السلام رسید. علی علیه السلام با وجود اینکه او را حاکمی عادل نمی‌دانست؛ ولی از فتنه قتل او نیز ناخشنود بود؛ زیرا می‌دانست این آشوب، آشوبهای دیگری در پی

۱. الغدیر، علامه امینی، دارالکتاب العربی،

بیروت، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۹، ص ۷۳.

۲. نهج البلاغه، محمد دشتی، موسسه امیرالمؤمنین، قم، چاپ هشتم، ۱۳۸۲ هـ. ش،

خطبه ۳۰، ص ۸۰.

دستاویز مقاصد پلید خود ساختند. در بصره به اخلاگیری و آشوب‌طلبی دست زدند. امام علیه السلام فرزند بزرگ خود امام حسن علیه السلام را برای جلب مشارکت مردم در ستیز با پیمان شکنان به کوفه فرستاد.<sup>۱</sup> وقتی مردم او را دیدند که می‌خواهد برای آنان سخنرانی کند، زیر لب می‌گفتند: «خدایا! زبان زاده دختر پیامبرمان را گویا گردان.»

امام مجتبی علیه السلام به سبب بیماری که داشت، به ستونی تکیه کرد و سخنان بسیار شیوا و رسایی ایراد کرد. امام علیه السلام پس از سپاس و ستایش به درگاه خداوند فرمود:

«إيها الناس! أجيئوا دعوة أميركم و  
سيروا إلى إخوانكم... فأجيئوا دعوتنا و  
أعيئونا على ما ابتلينا و ابتليتم و أن  
أمير المؤمنين يقول: قد خرجت مخرجي  
هذا ظالماً أو مظلوماً و أنى أذكر الله رجلاً

رعى حق الله إلا نفر فإن كنت مظلوماً  
أعانتى و إن كنت ظالماً أخذ. والله إن  
طلحة و الزبير لأول من بايعنى و أول من  
غدرنا؛<sup>۲</sup> ای مردم! دعوت پیشوایتان را  
اجابت کنید و به سوی برادرانتان  
حرکت کنید. پس دعوتمان را پاسخ  
گوئید و ما را در آنچه بدان گرفتار  
شده‌ایم و بدان گرفتار شده‌اید، یاری  
رسانید. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «که  
من از منزلگاه خویش خارج شده‌ام،  
حال یا ظالم یا مظلوم. [بدانید] من  
بسان مردی هستم که حق خدا را  
[حتی] اگر تنها بماند، رعایت خواهد  
کرد. پس اگر مظلوم بودم یاریم کنید  
و اگر ظالم هستم، تسلیم [شما]؛ به  
خدا [قسم] طلحه و زبیر اول کسی  
بودند که با من بیعت کردند و اول  
کسی بودند که دغل کردند.» [و پیمان  
شکستند].»

۲. حیاة الامام الحسن المجتبی علیه السلام، باقر شریف  
القرشی، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۹ هـ. ق، بی‌تا،  
ج ۱، ص ۴۳۶.

۱. الکامل فی التاریخ، ابن الاثیر العجزری،  
دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۰ هـ. ق، ج ۲،  
ص ۱۶۸.

حضرت، فرزندش امام مجتبیٰ علیه السلام را مأمور کرد تا برای مردم سخنرانی کند و آنان را برای دفاع در برابر مهاجمان زرپرست و زورمدار تشویق کند. امام مجتبیٰ علیه السلام در حضور پدر، سخنان رسا و شیوایی بیان نمود و پس از حمد و ستایش خداوند، مردم را به جنگ با معاویه تشویق کرد. در بخشی از

خطبه امام علیه السلام آمده است:

«لَمْ يَجْتَمِعْ قَوْمٌ قَطَّ عَلَىٰ أَمْرٍ وَاحِدٍ إِلَّا أَشْتَدَّ أَمْرُهُمْ وَاسْتُحْكِمَتْ عَقْدَتُهُمْ فَأَحْسِدُوا فِي قِتَالِ مَعَاوِيَةَ وَجُنُودِهِ فَإِنَّهُ قَدْ حَضَرَ وَلَا تَخَافُوا فَإِنَّ الْخِذْلَانَ يَقَطُّعُ نِيَاطَ الْقَلْبِ وَإِنَّ الْإِقْدَامَ عَلَى الْأَسِنَّةِ نَجْدَةٌ وَعَصْمَةٌ لِأَنَّهُ لَوْ يَمْتَنَعُ قَوْمٌ قَطَّ إِلَّا رَفَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ الْعِلَّةَ وَكَفَاهُمْ جَوَائِحِ الذَّلَّةِ وَهَدَاهُمْ مَعَالِمَ الْمِلَّةِ؛<sup>۱</sup> همانا هیچ ملتی بر کاری اجتماع نکردند [و یکپارچه نشدند]؛ مگر آنکه بدان قدرت یافتند و

امام علیه السلام با کلامی آتشین با مردم سخن گفت و مردم پس از شنیدن سخنان، این آمادگی خود را برای شرکت در جنگ و یاری علی علیه السلام اعلام کردند و امام مجتبیٰ علیه السلام توانست سپاه انبوهی را برای جنگ در رکاب علی علیه السلام گرد آورد.

## ۲. شرکت در جنگ جمل

امام مجتبیٰ علیه السلام در جنگ جمل حضوری چشم‌گیر و شجاعانه داشت و ضربه نهایی را با نحر کردن شتر عایشه به انجام رسانید و جنگ را به سود امیرالمؤمنین پایان داد.

## ۳. بسیج مردم برای شرکت در جنگ

صفین

آتش جنگ جمل فروکش نکرده بود که زمزمه‌هایی ناآشنا در برپایی فتنه خونین دیگری از آن سوی مرزها به گوش رسید. معاویه و همدستانش سرگرم تجهیز سپاه و جمع آوری نیرو برای جنگ با علی علیه السلام بودند. خبر به امیرالمؤمنین علیه السلام رسید. آن

۱. كشف الغمة في معرفة الأئمة، اربلی، علی بن عیسی، مكتبة بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ هـ. ق، ج ۳، ص ۱۱۲.

از سوی امیرالمؤمنین علیه السلام دستور یافت که سمت فرماندهی میمنه<sup>۱</sup> لشکر را برعهده گیرد.<sup>۲</sup> امام مجتبی علیه السلام در رکاب پدر، دلاورانه شمشیر می‌زد و حمله می‌کرد. وقتی علی علیه السلام رزم نمایان او را دید که چگونه به قلب دشمن حمله‌ور می‌شود، برای محافظت از جان او و برادرش حسین علیه السلام، دستور داد تا آنان را به عقب برگردانند. امیرالمؤمنین علیه السلام دستور داد تا آنان را از جنگ بازدارند که جانشان به خطر نیفتد.<sup>۳</sup>

در گرما گرم جنگ، معاویه جنگیدن امام مجتبی علیه السلام را که دید، خواست تا سیاست پلید و همیشگی اش را درباره امام حسن علیه السلام به کار گیرد. از اینرو، کوشید تا ایشان

پیوندشان استوار گردید. پس برای نبرد با معاویه و لشکرش بسیج گردید؛ زیرا او اینک آماده شده است و نبرد را رها نکنید که آن، رشته پیوند قلبها [و همبستگی‌تان] را از میان می‌برد به درستی که دست بردن به سلاح و سرنیزه، بزرگی و پاکی است؛ زیرا هرگز قومی پایداری نکردند، مگر آنکه خداوند [به برکت این پایداری]، مریضی را از ایشان برگرفت و آنان را از سختیها و خواریه‌ها نگاه داشت و به سوی نشانه‌های دینداری هدایتشان کرد.»

#### ۴. شرکت در جنگ صفین و فرماندهی

##### نظامی

متأسفانه برخلاف خواست امام علی علیه السلام بهترین لحظه‌های خلافتش، صرف جنگی طولانی گردید؛ در حالی که این دوران درخشان می‌توانست صرف عمران و آبادانی و تحقق برنامه‌ریزیهای حکومت علوی گردد. امام مجتبی علیه السلام در جنگ صفین

۱. جناح راست لشکر.

۲. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب المازندرانی، مؤسسة الاضواء، بیروت، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۳، ص ۱۶۸.

۳. حیاة امام الحسن المجتبی علیه السلام، ج ۱، ص ۴۹۷.

سرافکنده به سوی خیمه‌گاه بازگشت. معاویه با دیدن حالت او، خود به جواب پی برد و گفت: «[ناراحت مباش] او پسر علی علیه السلام است.»<sup>۱</sup>

#### ۵. سخنگوی علی علیه السلام در ماجرای حکمیت

جنگ صفین طولانی شده بود و بی‌نتیجه پیش می‌رفت. علی علیه السلام دست از حقیقت بر نمی‌داشت و معاویه بر سخن باطل خود پای می‌فشرد. جنگ، جنگ حق و باطل بود و هر دو در شعار خود سرسختی نشان می‌دادند. تا آنجا که نوشته‌اند این جنگ نزدیک به یک سال و نیم به درازا کشید.

سرانجام تا پیروزی لشکر حق، تنها چند ضربه شمشیر دیگر نیاز بود؛ به دستور معاویه قرآن‌ها را بر سر نیزه‌ها کردند و کتاب خدا را بازیچه دنیاپرستی و قدرت‌طلبی خود قرار دادند. در نتیجه در سپاه

را با وعده‌های پوشالی از میدان به در کند. به همین منظور، عبیدالله بن عمر - فرزند کوچک خلیفه دوم و از یایگان آزاد شده امت عثمان - را به میدان جنگ فرستاد تا امام حسن علیه السلام را با وعده خلافت و دیگر بهانه‌ها از میدان به در کند. وقتی عبیدالله، امام مجتبی علیه السلام را مشغول کارزار دید، نزدیک رفت و گفت: «با تو کاری دارم.» امام علیه السلام دست از جنگ کشید و نزدیک آمد. عبیدالله پیشنهاد معاویه را به امام علیه السلام رسانید. امام علیه السلام با تندی فرمود:

«لَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْكَ مَقْتُولًا فِي يَوْمِكَ أَوْ غَدِكَ أَمَا الشَّيْطَانُ قَدْ زَيَّنَ لَكَ وَخَدَعَكَ حَتَّى أَخْرَجَكَ مُخْلِفاً بِالْخُلُوقِ؛ گویی می‌بینمت که امروز یا فردا کشته خواهی شد؛ ولی شیطان فریبت داده و این کار را برایت زیبا نموده است تا روزی که [به خون] رنگینت کند.»

عبیدالله شگفت‌زده و ناامید و

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، صص ۱۶۵ -

امیرالمؤمنین علیه السلام دو دستگی افتاد و چشمهای ظاهربین و نیز بازوان خسته از جنگ، شمشیرها را زمین گذاشتند و امام علیه السلام را به پذیرش حکمیت وادار کردند. بدین ترتیب به راحتی حضرت علی علیه السلام از خلافت کنار گذاشته شد. دیری نپایید که این اشتباه بزرگ و جبران‌ناپذیر برای همگی به اثبات رسید. از اینرو، به سختی ابراز پشیمانی کردند و حتی بعضی از علی علیه السلام خواستند تا پیمانی را که به اصرار آنان بسته بود، بشکنند و جنگ را بی‌محابا آغاز کند؛ ولی برخی نیز به بهانه‌های مختلف، خود حضرت علیه السلام را در این جریان مقصر می‌دانستند. بیم آن می‌رفت که آشوب‌گری از سرگرفته شود و فاجعه دیگری به وقوع بپیوندد.

در اینجا، لازم بود تا چهره‌ای که برای همگان مورد پذیرش و احترام است، میانجی‌گری کند و آشوب را

پایان بخشد. به همین منظور، امام علی علیه السلام فرزند بزرگش حسن علیه السلام را که چهره‌ای پذیرفته شده بود، مأمور کرد تا از طرف ایشان مسئله را روشن و مشکل را حل کند. او باید نخست با دلایل قانع‌کننده، حکمی را که ابوموسی اشعری صادر کرده بود، لغو می‌کرد و نیز برای جلوگیری از فتنه‌های مخالفان، مشروعیت حکمیت را نیز می‌پذیرفت. این کار در آن موقعیت حساس که بیشتر حاضران جزو مخالفان بودند، بسیار دشوار می‌نمود و کسی جز امام مجتبی علیه السلام در میان هواداران علی علیه السلام توان انجام چنین مسئولیتی را نداشت. امام مجتبی علیه السلام در آن جمع این‌گونه فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ! قَدْ أَكْثَرْتُمْ فِي هَذَيْنِ الرَّجُلَيْنِ وَإِنَّمَا بُعِثَا لِيَحْكَمَا بَكِتَابِ اللَّهِ عَلَى الْهَوَىٰ فَحَكَمَا بِالْهَوَىٰ عَلَى الْكِتَابِ وَ مَنْ هَكَذَا لَمْ يُسَمَّ حَكَمًا وَ لَكِنَّهُ مَحْكُومٌ عَلَيْهِ؛ ای مردم! بی‌گمان شما درباره این دو مرد [عمر و عاص و ابوموسی]

داشت که رسول خدا ﷺ نیز سعد بن معاذ را در جریان بنی قریظه حکم قرار داد و او نیز آنچه را که مورد رضای خدا بود، حکم کرد؛ اما بی‌تردید اگر او مخالفت می‌کرد، رسول خدا ﷺ نیز رضایت نمی‌داد.<sup>۱</sup>

سخنان شیوای امام مجتبیٰ ﷺ، مسئله را بر همگان آشکار ساخت؛ هر چند دشمن هیچ‌گاه دست از فتنه‌گری بر نمی‌داشت. این سخنان، جایگاه علمی و سیاسی امام حسن ﷺ را برای همگان روشن ساخت.

۶. مشاور سیاسی و جانشین امیرالمؤمنین علی ﷺ

با بررسی جریانهای تاریخی عصر امام علی ﷺ روشن می‌شود که امام حسن ﷺ در تمامی تصمیم‌گیریهای امام علی ﷺ و برنامه‌ریزیهای او نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای داشته است؛ زیرا امام علی ﷺ همواره با امام حسن ﷺ مشورت می‌کرد. همین

زیاده سخن گفتید و آنها را برگزیدید تا با کتاب خدا حکم کنند، نه از روی هوای نفسشان؛ ولی آنها با هوای نفس حکم کردند نه با کتاب خدا؛ و کسی که چنین کند، حکم نامیده نمی‌شود؛ بلکه محکوم است.»

از منظر امام ﷺ، ابو موسی در رابطه با خلیفه قرار دادن عبدالله بن عمر، مرتکب سه اشتباه شد:

۱. با نظر پدرش عمر مخالفت کرده؛ زیرا عمر به خلیفه قرار دادن او راضی نبود و حتی او را از اعضای شورای شش نفره نیز قرار نداده بود.

۲. با خود عبدالله بن عمر در این باره مشورت نکرده بود.

۳. مهاجرین و انصار که حکومت را منعقد کردند و نظر آنها مورد پذیرش مردم بود، نظری در این باره نداده‌اند و این حکم، تنها از آن این دو نفر است.

امام ﷺ، اصل مسئله حکمیت و مشروعیت آن را پذیرفت و اذعان

۱. حیاة امام الحسن بن علی ﷺ، ج ۱، ص ۵۳.



## با بررسی جریان‌های تاریخی عصر امام علی علیه السلام روشن می‌شود که امام حسن علیه السلام در تمامی تصمیم‌گیری‌های امام علی علیه السلام و برنامه‌ریزی‌های او نقش مهم و تعیین کننده‌ای داشته است

ب. فعالیت‌های فرهنگی

۱. مشاور و جانشین فرهنگی امام  
علی علیه السلام  
امام مجتبی علیه السلام در تبیین مسایل  
علمی و اعتقادی بسیار توانا بود. این  
امر از همان اوان کودکی در ایشان  
نمودار بود و حتی پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام  
به دلیل آگاهی از فرهیختگی امام  
مجتبی علیه السلام در کودکی به او دستور حل  
مسائل را می‌دادند.

نوشته‌اند علی علیه السلام در رُحْبَه - از  
محلّه‌های کوفه - بود که مردی نزد او

مسئله توانایی والای ایشان را به اثبات  
می‌رساند؛ چه اگر فردی دانستار و  
تواناتر از او در میان هواداران علی علیه السلام  
یافت می‌شد، حتماً او انجام این  
وظایف را بر دوش می‌گرفت. در  
کتابهای تاریخی آمده است که پس از  
پایان جنگ جمل، علی علیه السلام مدت یک  
ماه را در بصره سپری کرد. امام  
علی علیه السلام در این مدت بیمار شد و امام  
مجتبی علیه السلام به جای آن حضرت علیه السلام  
نقش پدر را بر عهده گرفت.<sup>۱</sup>

همچنین نوشته‌اند که علی علیه السلام پیش  
از جنگ با معاویه، سرداران و  
فرماندهان سپاه خود را برای مشورت  
گرد آورد و از آنان درباره جنگ  
نظرخواهی کرد. در این هنگام، امام  
مجتبی علیه السلام به‌عنوان مشاور سیاسی  
علی علیه السلام پس از ستایش الهی، نظر خود  
را در اجتماع بر حق و دفاع از آن بیان  
داشت.<sup>۲</sup>

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۶۱.

۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، دار الهدی  
الوطنیه، بیروت، بی تا، ج ۱، ص ۲۸۱.

باطل چقدر است؟ میان آسمان و زمین چه فاصله‌ای است؟ مسافت میان مشرق و مغرب چه اندازه است؟ قوس و قزح چیست؟ ارواح مشرکان در کجا جمع است؟ ارواح مؤمنان کجا جمع‌اند؟ خستی چیست؟ کدام ده چیز است که هر کدام قوی‌تر از دیگری است؟» مرد شامی دوباره با شگفتی اقرار کرد که پرسشهایش همینها بوده که امام مجتبی علیه السلام فرمود؛ و امام علیه السلام به یک یک پرسشهایش اینگونه پاسخ داد:

میان حق و باطل چهار انگشت فاصله است؛ آنچه را به چشم دیدی حق و آنچه را با گوش شنیدی باطل است.

فاصله میان آسمان و زمین به اندازه درخوست یک فرد ستم‌دیده و یک لحظه چشم بر هم زدن است و هر کس غیر این را بگوید، دروغ گفته است.

آمد و بسیار ابراز ارادت نمود و گفت: «من از ارادتمندان شما هستم.» اما امام علی علیه السلام نپذیرفت و او را از ارادتمندان نشان بر نشمرد؛ بلکه وی را فردی معرفی کرد که از سوی پادشاه کشور روم برای پرسیدن پرسشهایی با پیکی به شام فرستاده و پاسخ آن را از معاویه خواسته است. و چون معاویه از پاسخ آن ناتوان مانده بود، او را برای حل آنها نزد ایشان فرستاده است. مرد با شگفتی سخنان علی علیه السلام را تصدیق کرد و گفت: «ولی من

مخفیانه اینجا آمده‌ام و هیچ‌کس از آمدن من خبر نداشته است.» امام علی علیه السلام به او فرمود تا پرسشهایش را با یکی از این دو فرزندش (امام مجتبی علیه السلام یا امام حسین علیه السلام) در میان بگذارد. مرد گفت: «از فرزندت حسن علیه السلام می‌پرسم.» اما امام مجتبی علیه السلام زودتر به او فرمود که او می‌خواهد بپرسد؛ سپس فرمود: «فرق حق و

فاصله میان مشرق و مغرب، به اندازه حرکت یک روز خورشید است که صبحگاه از مشرق، طلوع و در مغرب، غروب می‌کند.

قوس را به قزح نسبت نده؛ زیرا قزح شیطان است. ولی رنگین کمان، نشانه قدرت خداست که پس از بارش باران رحمتش، نمودار می‌شود و نشانه حاصل‌خیزی و برکت است.

ارواح مشرکان در جایی به نام «برهوت» و ارواح مؤمنان در جایگاه گسترده‌ای به نام «سلمی» است.

خشتی کسی است که جنسیت آن مشخص نیست. او باید صبر کند تا بزرگ شود.

امام علیه السلام در ادامه درباره این پرسش که کدام ده چیز است که بر یکدیگر غلبه دارد، فرمود: «سنگ را خدا محکم آفرید؛ ولی آهن از آن محکم‌تر است و آن را قطعه قطعه می‌کند؛ مقاوم‌تر از آهن، آتش است که آهن را ذوب می‌کند؛ قوی‌تر از

آتش، آب است که آن را خاموش می‌سازد؛ چیره‌تر از آب، ابر است که آب را به صورت باران جا به جا می‌کند؛ قوی‌تر از ابر، باد است که آن را انتقال می‌دهد؛ و پیروزتر از باد، فرشتگان‌اند که به آن دستور جا به جایی می‌دهند؛ نیرومندتر از فرشتگان، عزرائیل است که آنها را می‌میراند؛ نیرومندتر از عزرائیل، مرگ است که او را نیز می‌میراند؛ و از همه اینها قوی‌تر و بالاتر، فرمان خداوند بزرگ است که مرگ را نیز می‌میراند و خود همواره می‌ماند.»

مرد شامی که پاسخ تمامی پرسشهای خود را گرفته بود، گفت: «شهادت می‌دهم که تو فرزند رسول خدایی و به حق، علی بن ابی طالب از معاویه سزاوارتر بر خلافت و رهبری است.»<sup>۱</sup>

۱. مرد شامی نزد معاویه بازگشت و معاویه نیز پاسخها را از قول خود برای پادشاه روم فرستاد؛ ولی او فهمید که پاسخها را معاویه نداده است و به او نوشت: «سوگند به عیسی علیه السلام که این



نمی‌توانستند نماز جمعه را اقامه کنند، این مهم را بر دوش فرزند بزرگ‌ترشان می‌گذاشتند.<sup>۱</sup>

### ج. فعالیت‌های اقتصادی

یکی از چشم‌گیرترین تلاش‌های اقتصادی امام مجتبی علیه السلام در دوران پیش از امامت، سرپرستی زمینها و اموالی بود که از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام به عنوان وقف مشخص شده بود و بیش‌تر آنها به حجاج بیت الله الحرام، یتیمان، مستمندان و خانواده اهل بیت علیهم السلام وقف شده بود. این داراییها به صورت نخلستان، زمین زراعی، چاه، قنات و ... بود. موقوفات پیامبر صلی الله علیه و آله به وسیله علی علیه السلام اداره می‌شد و پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینی علی علیه السلام حضرت آنها را به

امام مجتبی علیه السلام در جنگ  
جمل حضوری چشم‌گیر و  
شجاعانه داشت و ضربه  
نهایی را با نحر کردن شتر  
عایشه به انجام رسانید و  
جنگ را به سود  
امیرالمؤمنین پایان داد

این‌گونه مطالب که نشانگر برتری علمی امام مجتبی علیه السلام است، در تاریخ فراوان است.

### ۲. امام جمعه موقت کوفه

یکی از مسئولیت‌های مهم فرهنگی امام مجتبی علیه السلام در دوران خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام امامت جمعه بود. هرگاه امام علی علیه السلام کوفه را ترک می‌کردند و یا به دلیل عذری

پاسخها برخاسته از پیامبران علیهم السلام و خاندان آنها است و به تو ربطی ندارد. بحار الانوار، محمد باقر المجلسی، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۴۳، ص ۳۲۵.

۱. مروج الذهب فی اخبار من ذهب، علی بن الحسین المسعودی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰ هـ. ش، ج ۳، ص ۹.

که عبارت بود از مناطق عواف، دلال، برقه، میثب، حسنی، صافیه و حائط ام‌ابراهیم، در اختیار امام علی علیه السلام قرار داد و چنانچه علی علیه السلام از دنیا رفت، سرپرستی آن را به فرزندش حسن علیه السلام واگذار نمود. اگر او هم از دنیا رفت، آن را در اختیار فرزند دیگرش امام حسین علیه السلام گذاشت که پس از او نیز در اختیار بزرگ‌ترین فرزندانشان باشد.

شاهدان این وقف نامه، اول خدا، سپس مقداد بن اسود کندی و زبیر بن عوام هستند. این نامه، به دست علی بن ابی طالب علیه السلام نگاشته شد.<sup>۲</sup>

اضافه موقوفات خود به تولیت و سرپرستی امام مجتبی علیه السلام درآورد. علی علیه السلام در حکمی، سرپرستی و اداره آن را به حسن بن علی علیه السلام تفویض کرد و شرط کرد اصل مال را حفظ کند و تنها از درآمد آن در راهی که دستور داده شد، انفاق نماید و از فروش نخلها خوداری کند تا همه آن سرزمین، به صورت یکپارچه به نخلستان تبدیل شود.<sup>۱</sup> همچنین حضرت زهرا علیه السلام نیز موقوفات و صدقاتی داشتند که از سوی پدرشان به او رسیده بود. ایشان نیز آن را وقف نیازمندان کرد و سرپرستی آن را نخست به علی علیه السلام و پس از آن به فرزند بزرگشان - امام حسن مجتبی علیه السلام - واگذار کرد و در حکم اعطای این سرپرستی، حیطان سبعه را

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۵،

ص ۱۴۶، ح ۳۴.

۲. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۳۵، ح ۱.